

## بررسی تربیتی تأدیب دانش آموز و تلف یا نقصان در اجرای آن توسط معلم در مراکز آموزشی براساس فقه و حقوق موضوعه

فریده مرادی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد الهیات- فقه و مبانی حقوق اسلامی - مدرس دانشگاه- دبیر آموزش و پرورش

### چکیده

فقه اسلامی در سیستم تربیتی خود، اصل تنبیه را به عنوان آخرین روش تربیتی پذیرفته است، به این معنا که وقتی والدین یا مربی، تمامی روش های تربیتی را نسبت تربیت شونده اعمال کرد ولی در تقویت یا تضعیف و یا تعدیل رفتار موفق نشد، اصل تنبیه، ضرورت خود را می یابد. همان طور که قرآن مجید به صورت بنیادی، اصل تنبیه را به عنوان آخرین روش پذیرفته است. بنابراین، تأدیب دانش آموز توسط معلم به بیش از مقدار تعیین شده در صورتی جایز است که معلم علم داشته باشد که با این مقدار تأدیب انجام نمی شود و در صورتی که مردد باشد نمی تواند به بیش از این مقدار تأدیب نماید. اگر در اجرای تأدیب تعدی و تفریط نماید، و منجر به تلف یا نقص عضو شود، فقط طبق نظر اکثر فقها و قانون معلم ضامن است و محکوم به پرداخت دیه می گردد.

**واژه های کلیدی:** تأدیب دانش آموز، تلف و نقصان، معلم، مراکز آموزشی، فقه و حقوق موضوعه

## مقدمه

یکی از ارکان مهم آموزش و تدریس، ایجاد فضایی سالم و مناسب برای یادگیری و آموختن است. در کلاسی که نظم و مقررات حاکم باشد، تنبیه و طرد دانش آموز جایی نخواهد داشت. خشونت با دانش آموز هدف و فرآیند یادگیری را مختل می کند. ارزش ها و مفاهیم اخلاقی گوناگون مثل احترام، مسوولیت پذیری، رعایت حقوق دیگران و... را نمی توان به طور مستقیم به دانش آموزان آموخت، بلکه باید آنها را در موقعیت های عینی و واقعی به بچه ها یاد داد. تهدید و ارباب کودکان (و نوجوانان) نه تنها مانع از بدرفتاری آنها نمی شود، بلکه تنها زمینه ایی برای مخفی کاری او ایجاد می کند. از طرف دیگر، وقتی دانش آموز به دلیل رفتار نامناسبش با شدت عمل روبه رو می شود، کمتر به رفتار خود و خطایش فکر می کند و بیشتر متوجه نحوه خشم و عصبانیت آموزگار می شود. بنابراین، آشنایی و آگاهی نسبت به فنون تدریس و اعمال آنها در کلاس درس توسط معلم، باعث می شود، وی بدون استفاده از خشونت و تنبیه بدنی، کلاس را مدیریت نموده و نظم را حاکم سازد.

البته، در موردی معلم می تواند به اجرای تأدیب دانش آموز بپردازد (تقصیر در امور علم و کوتاهی و تخلف از ضوابط و مقررات مدرسه به وسیله دانش آموز ممیز) لازم است تأدیب از حد مجاز تجاوز ننماید.

این امور اقتضا دارد که چنان چه معلم، تشخیص دهد که لازم است دانش آموز به پیش از مقداری که تعیین گردیده است، تأدیب گردند، جایز باشد، وگرنه آن چه از تشریع تأدیب مدنظر بوده است، به دست نمی آید.

بنابراین تأدیب به بیش از مقدار تعیین شده در صورتی جایز است که معلم علم داشته باشد که با این مقدار تأدیب انجام نمی شود و در صورتی که مردد باشد نمی تواند به بیش از این مقدار تأدیب نماید. اگر در اجزای تأدیب تعدی و تفریط نماید، و منجر به تلف یا نقص عضو شود، فقط طبق نظر اکثر فقها مودب ضامن است و محکوم به پرداخت دیه می گردد.

در این تحقیق ابتدا به مفهوم شناسی تربیت و تأدیب به وسیله معلم در مراکز آموزشی و فقه و حقوق و سپس به تلف و نقصان در اجرای تأدیب توسط معلم می پردازیم.

## مفهوم شناسی تربیت و تأدیب

تربیت از ماده «رَبَو» در لغت به معنای افزودن و رشد و نمو کردن آمده است. تربیت عبارت است از هرگونه فعالیتی که معلمان، والدین یا هر شخصی به منظور اثر گذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار فردی دیگر براساس اهداف از پیش معین شده انجام می دهد. (حسینی زاده، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۰)

در زبان فارسی، واژه «تربیت» به معنی پروردن، ادب و اخلاق را به کسی آموختن و پروردن کودک تا هنگام بلوغ به کار رفته است. واژه ترکیبی آن «تعلیم و تربیت» نیز به معنای آموزش و پرورش آمده است. (دهخدا، ۱۳۳۵؛ ص ۲۹۵)

در حقیقت، هدف از پرورش کودکان و نوجوانان باید تغییر رفتارهای آنان در جهت اعتلای توانایی ها، استعدادها و ویژگی های مثبت و سازنده آنان باشد.

### تعریف تأدیب:

تأدیب در لغت به معنای آموختن به کسی، ادب کردن، ادب دادن، آموختن طریقه نیک و یا تربیت نمودن آمده است. (دهخدا، ۱۳۳۵؛ ص ۲۹۵)

تأدیب ماهیتاً نوعی از تعزیر است و در جهت حفظ مصالح اطفال و مجانین و جلوگیری از ارتکاب معاصی و فحشا به وسیله آنها و وادار نمودن اطفال به کسب عادات و رسوم صحیح تشریع شده است.

در حوزه و دستورهای فقه اسلامی، بر تربیت کودک، توأم با تأدیب وی - تأکید شده است و اسلام ضرورت آن را اساس کاربرد اجتماعی و تأثیر در جامعه لحاظ نموده است. بدون تردید ریشه ناهنجاری های اجتماعی از همان دوره کودکی پدید می آید و اگر کودک با لغزش و ارتکاب جرم - هرچند کوچک - تأدیب نشود، راه برای رفتار وی باز می ماند و ممکن است در آینده دست به کارهای خطرناک و تهدید آمیز بزند (اخلاقی، ۱۳۴۸؛ ص ۷۰)

طبیعی است که فقه اسلامی در سیستم تربیتی خود، اصل تنبیه را به عنوان آخرین روش تربیتی پذیرفته است، به این معنا که وقتی والدین یا مربی، تمامی روش های تربیتی را نسبت تربیت شونده اعمال کرد ولی در تقویت یا تضعیف و یا تعدیل رفتار موفق نشد، اصل تنبیه، ضرورت خود را می یابد. همان طور که قرآن مجید به صورت بنیادی، اصل تنبیه را به عنوان آخرین روش پذیرفته است. در همین زمینه قرآن مجید می فرماید: «آیا ندیدی پروردگارت با قوم عاد چه کرد» (حجر: ۶)

### تأدیب به وسیله معلم در مراکز آموزشی

یکی از ارکان مهم آموزش و تدریس، ایجاد فضایی سالم و مناسب برای یادگیری و آموختن است. ذهن، روان و رفتار کودکان و نوجوانان نسبت به سال های گذشته دچار تحولات و دگرگونی های بی شماری شده است. دانش آموزان، آموزگاران را ترجیح می دهند که به شخصیت آنها احترام گذارند، به جای تنبیه آنها را تشویق و حمایت کنند، خوب درس بدهند، انگیزه تلاش و پیشرفت را در آنها زنده نگه دارند، ارزش ها و آرمان هایشان را نادیده نگیرند و آنها را در یافتن اهداف صحیح

زندگی یاری کنند. رابطه معلم - دانش آموز رابطه یی ظریف و شکننده است، تا حدی که شکیبایی و بردباری بیشتر آموزگاران و معلمان را می طلبد. گاهی وضعیتی بر کلاس حاکم می شود که احتیاج به مهارت، تسلط و مدیریت آموزگار بر رفتارها و واکنش های هیجانی - احساسی دانش آموزان دارد. بدخلقی های روزانه، اختلاف ها و تعارض های بین بچه ها، بحران های لحظه یی کلاس و... نیازمند توان بالای تصمیم گیری آموزگار است. تحقیقات نشان می دهد ارتباط مستقیمی بین اعتماد به نفس آموزگار برای ایجاد رابطه یی فعال و پویا با دانش آموزان و پیشرفت تحصیلی کلاس وجود دارد. (افشار نیا، ۱۳۹۷، ص ۸۰)

بنابراین، زمانی که آموزگاری عصبانی می شود، در فرآیند تدریس او اخلال به وجود می آید. او باید سعی کند خشمش را به گونه یی ابراز کند که به کسی لطمه یی (چه جسمی و چه روانی) نزند. او باید ضمن اشاره به مشکل درصدد حل وضعیت حاکم بر کلاس باشد. بد و بیراه گفتن، حمله به شخصیت بچه ها، سر و صدا راه انداختن و رفتارهای تکانشی - هیجانی محض، هیچ گاه نمی تواند کلید برتری معلم در کلاس درس باشد. یکی از استرس ها و اضطراب های حرفه یی آموزگاران اداره و کنترل کلاس و داشتن رابطه یی پویا و فعال با دانش آموزان است. در مواردی بعضی از دانش آموزان می توانند به تنهایی مشکلاتی برای آموزگاران شان به وجود آورند که حتی باتجربه ترین معلمان هم از کنترل و اداره آن ناتوانند. گاهی حضور یک دانش آموز خاطی و اخلالگر می تواند تاثیر زیادی روی عملکرد آموزگار بر تک تک دانش آموزان گذارد. همان طور که نمی توانیم عکس العمل ها و رفتارهای آموزگاران را بدون در نظر گرفتن رفتار دانش آموزان تبیین کنیم، همان طور هم نمی توانیم رفتار دانش آموزان را بدون در نظر گرفتن رفتار آموزگاران درک کنیم. آموزگاری که برای کنترل کلاس دست به تهدید و ارباب دانش آموزان می زند، گاهی متوجه می شوند بچه ها آنها را به عملی کردن این تهدیدها ترغیب می کنند، تا بتوانند موقعیت شغلی آنها را به مخاطره اندازند.

همچنین، دانش آموزان زمانی که آموزگارشان عصبانی است، به رفتار او و آنچه او می گوید، خوب توجه دارند. گاهی بدخویی و رفتار تند معلم، اشارات و حرکات او موجب رنجش، احساس خواری و سرافکندگی دانش آموزان و به دنبال آن نادیده گرفتن اصول اولیه بهداشت روانی کلاس می شود. دانش آموزان به معلمان شان وابسته اند. اگر معلمان نسبت به بچه ها از خود احترام نشان دهند و به عزت نفس و حس ارزشمندی آنها لطمه نزنند، طبیعی است که بچه ها نیز کمتر دست به مقاومت، خودسری و بدرفتاری خواهند زد. رفتارهای مودبانه و حرفه یی آموزگار می تواند مانع از تخلف های انضباطی دانش آموزان شود. اگر آموزگار اجازه دهد بچه های کلاس به سادگی او را خشمناک و عصبانی کنند، خیلی زود کنترل و تسلط خود را بر کلاس از دست خواهد داد (افشار نیا، ۱۳۹۷، ص ۸۱)

در کلاسی که نظم و مقررات حاکم باشد، تنبیه و طرد دانش آموز جایی نخواهد داشت. خشونت با دانش آموز هدف و فرآیند یادگیری را مختل می کند. ارزش ها و مفاهیم اخلاقی گوناگون مثل احترام، مسوولیت پذیری، رعایت حقوق دیگران و... را نمی توان به طور مستقیم به دانش آموزان آموخت، بلکه باید آنها را در موقعیت های عینی و واقعی به بچه ها یاد داد. تهدید و ارباب کودکان (و نوجوانان) نه تنها مانع از بدرفتاری آنها نمی شود، بلکه تنها زمینه یی برای مخفی کاری او ایجاد می کند. از طرف دیگر، وقتی دانش آموز به دلیل رفتار نامناسبش با شدت عمل روبه رو می شود، کمتر به رفتار خود و خطایش فکر می کند و بیشتر متوجه نحوه خشم و عصبانیت آموزگار می شود.

آموزگاران باید پیش از آغاز سال تحصیلی برای برقراری نظم و انضباط در کلاس شان، مقررات و قوانین ساده و شفافی تدوین کنند تا بدین وسیله دانش آموزان را با خواسته ها، انتظارات و اهداف خود آشنا سازند. زمانی که کلاسی به نحو مطلوب اداره و مدیریت شود، شرایطی به وجود می آید که دانش آموزان مشکلات انضباطی کمتری داشته باشند. داشتن روابطی منفی با شاگردان موجب می شود آنها اصول انضباطی کلاس را مستبدانه و خشک بدانند و برای اجرای آنها از خود مقاومت نشان دهند، در حالی که داشتن روابطی مثبت به آنها کمک می کند تا هدف اصلی از انضباط را سازندگی و پیشرفت در کار بدانند. تأدیب دانش آموز باید با خونسردی انجام شود تا دانش آموز را متوجه رفتار اشتباهش کند. رفتار صحیح و شایسته آموزگار، آهنگ صدا، ثبات و عدالت او می تواند بهترین الگوی تربیتی دانش آموزان باشد. یکی از روش های کنترل هیجانات منفی دانش آموزان در کلاس، تماس ها و ارتباطات چشمی، نگاه های اجمالی، خیره شدن و روش های غیرکلامی آموزگار است. از این طریق می توان خیلی ساده و راحت رفتار خلاف کودک (یا نوجوان) را بدون اینکه مزاحمت و اغتشاشی برای بقیه دانش آموزان کلاس ایجاد شود، متوقف کرد.

به طور کلی، آشنایی و آگاهی نسبت به فنون تدریس و اعمال آنها در کلاس درس توسط معلم، باعث می شود، وی بدون استفاده از خشونت و تنبیه بدنی، کلاس را مدیریت نموده و نظم را حاکم سازد.

در حقیقت، هدف از پرورش کودکان و نوجوانان باید تغییر رفتار های آنان در جهت اعتلای توانایی ها، استعدادها و ویژگی های مثبت و سازنده آنان باشد.

### تأدیب به وسیله معلم در فقه اسلامی

در موردی که معلم می تواند به اجرای تأدیب بپردازد (تقصیر در امور علم و کوتاهی و تخلف از ضوابط و مقررات مدرسه به وسیله دانش آموز ممیز) لازم است تأدیب از سه ضربه شلاق تجاوز ننماید.

دلیل این حکم موثقه‌ای است از حضرت امیرالمومنین(ع) که می‌فرماید:

« ابلغوا معلمکم ان ضربکم فوق ثلاث ضربات فی الأدب اقتص منه ؛

به معلمین ابلاغ نمایند، چنان چه در تأدیب اطفال بیش از سه ضربه شلاق بزنند، قصاص خواهند شد. » (حر عاملی، ۱۳۸۸، ج

۱۸: ص ۵۸۲)

### تأدیب به وسیله معلم در فقه اهل سنت

برخی از فقهای اهل سنت مقدار تأدیب صبی و مجنون را حداکثر ده ضربه دانسته‌اند. (نوری، ۱۴۱۷؛ ج ۲۱: ص ۴۶۷) و مستند آنها روایتی است که از پیغمبر اکرم(ص) مبنی بر این که:

ضرب بیش از ده ضربه شلاق جایز نیست، مگر در حد. (ابی داوود، ۱۴۱۸، ج ۴: ص ۱۶۶)

چون در تعزیر اشخاص بالغ به نظر اکثر بلکه اجماع فقها جایز است که مقدار آن بیش از ده ضربه باشد، مقصود از این روایت، فقط تأدیب است. عده دیگری معتقدند که مقدار تأدیب، نسبت به ارتکاب فحشا و منکرات به وسیله صبی و مجنون، به اختیار حاکم واگذار شده است، ولی در غیر این موارد، نباید از ده ضربه شلاق تجاوز کند. (جزیری، ۱۴۱۱، ج ۵: ص ۴۰۰ و ۴۰۴).

گروه سوم، ظاهراً به این جهت که تأدیب را نوعی تعزیر می‌دانند، بحث از مقدار آن را، جدا از تعزیر، مطرح ننموده‌اند. امر تأدیب نیز همانند تعزیر در اختیار حاکم است، ولی باید با توجه به بنیه جسمانی و حالات مختلف دانش آموز و مجنون و رعایت مصلحت آنها و رعایت شرایط دیگر عمل شود. همچنین پدر و جد و دیگر اولیا، با رعایت این شرایط مجاز به اقامه تأدیب هستند. (کاسانی، ۱۴۱۷، ج ۷: ص ۹۴)

یکی از فقهای سنی در این باره می‌نویسد: لازم است تأدیب به جهت ارتکاب گناه باشد و نمی‌توان دانش آموز را به خاطر گناهی که چه بسا بعداً مرتکب خواهد شد، تأدیب نمود. همچنین نباید ضرب، موجب کبودی بدن و شکستگی استخوان و ناراحتی‌هایی از این قبیل گردد، بلکه لازم است مقدار تأدیب با حالت و سن دانش آموز منطبق باشد و از ضرب بر سر و صورت و دیگر مواضعی که مضر است (عورتین) جدا خوداری شود و لازم است به قصد تأدیب بزند و از اسراف در ضرب پرهیز شود. همچنین باید وسیله تأدیب چیزی باشد که با آن تأدیب انجام می‌شود. (عوده، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۵۱۹)

بنابراین، تأدیب دانش‌آموز به وسیله معلم، باید در حد متعارف باشد و معلم حق ندارد با ضرب شدید تأدیب نمایند و در بعض

کلمات حد متعارف را سه ضربه تعیین نموده‌اند. (الزحیلی، ۱۴۰۹، ج ۶: ص ۱۹)

## تأدیپ در حقوق ایران

### الف: تأدیپ به وسیله دادگاه اطفال

هدف اصلی اقداماتی که در مورد بزه‌کاری کودکان صورت می‌گیرد اصلاح و تربیت مجدد آنان برای زندگی اجتماعی و جلوگیری از رفتار خطرناک و مجرمانه آنها در آینده است، انتخاب نوع واکنش‌هایی که جامعه در مقابل آنان نشان می‌دهد، اهمیت اساسی دارد، زیرا مجازات‌های شدید معمولاً به تقویت حس پرخاش‌گری در کودک می‌انجامد.

به همین جهت مجازات‌هایی که برای اطفال بزه‌کار پیش بینی شده است، در مقایسه با مجازات افراد بالغ به مراتب سبکتر و ملایمتر است و حتی از ذکر اصطلاح حکم و مجازات در قانون خودداری و به جای آن از اصطلاح تصمیمات دادگاه استفاده شده است. (صانعی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۲-۲۳)

از سوی دیگر، در قوانین تشکیل دادگاه‌های اطفال اتخاذ هر نوع تصمیم و صدور حکم جهت تعیین روش‌های اصلاحی یا درمانی در مورد اطفال و نوجوانان بزه‌کار و در حالت خطرناک به قاضی اطفال و دیگر مقامات صلاحیتدار تفویض شده است. این افراد باید برای توفیق در این امر مهم، آشنایی کامل به حقوق اطفال، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی و... داشته باشند و در این باره با متانت، خون سردی، رأفت، محبت، صبر و حوصله اقدام نمایند. (تاج زمان، ۱۳۷۴، ص ۱۰۶)

طبق ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰) و تبصره یک و دو آن، قانون‌گذار تعیین مقدار مجازات اطفال بزه‌کار را از اختیارات دادگاه دانسته است.

همچنین طبق ماده ۴ قانون اقدامات تأمینی (مصوب ۱۳۷۲) و تبصره آن، مجرمین مجنون و مختل‌المشاعر که مخل به نظم یا امنیت عمومی و دارای حالت خطرناک باشند، به تشخیص دادگاه و با جلب نظر کارشناس مربوطه، در تیمارستان نگهداری می‌شوند و صدور حکم دایر بر خاتمه یافتن اقدام مزبور نیز با نظر کارشناس است. (قاسمی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۹)

### ب: تأدیپ به وسیله پدر، جد، معلم

مستند قوانین جزایی در جواز تأدیپ و تنبیه فرزند، شاگرد به وسیله پدر، جد، معلم، آیات و روایات است و نوع و مقدار آن غالباً همان مقدار بیان شده در فقه است.

برخی نوشته‌اند: باید تأدیب فرزند و شاگرد با ضرب خفیف و با دست انجام شود و از سه ضربه تجاوز ننماید و کسی که مسئولیت آن را به عهده دارد. با حسن نیت و به جهت تعلیم و اصلاح صغیر و همسر به این امر اقدام نماید.

یکی دیگر از حقوقدانان با طرح ضابطه کلی در این باره می‌نویسد: (( استفاده از این حق نباید به ایذا و جرح کسی که تأدیب می‌شود، منجر شود. )) (انصاری، ۱۳۸۵، ص ۵۹۴)

### حکم تلف یا نقصان در تأدیب به وسیله معلم در فقه اسلامی

اگر معلم تأدیب در اجرای آن تعدی و تفریط نمایند، اعم از اینکه در کمیت باشد، مثل اینکه بیشتر از حد نیاز و آن چه شرعاً مجاز هستند، تأدیب نمایند یا در کیفیت باشد، مانند آنکه بر مواضع ممنوعه مثل سروصورت، ضرب واقع شود یا بر خلاف شرایط صورت پذیرد، مانند اینکه در سرما و یا گرمای شدید دانش آموز (دانش آموز) را تأدیب نمایند و... در تمام این امور چنان چه مودب (با فتح دال) تلف گردد یا نقص عضو یا ضرر فاحش بر وی وارد شود، مودب (با کسر دال) یا متولی امر تأدیب ضامن است و به قصاص یا پرداخت دیه محکوم می‌گردد. و این مسئله اجمالاً مورد توافق فقهاست. (انصاری، ۱۳۸۵، ص ۵۹۵)

### حکم تلف در اجرای تأدیب به وسیله معلم در فقه اهل سنت

این مسئله مورد توافق فقهای اهل سنت است که اگر تأدیب با رعایت شرایط انجام نشود و تلف یا نقصان صورت پذیرد، موجب ضمان می‌گردد. (ابن عابدین، بی تا، ج ۶: ص ۴۸)

اگر تأدیب با رعایت شرایط انجام شود، نظریات مختلفی ابراز شده است که خلاصه آن چنین است: در صورتی که پدر، جد، وصی یا نایب آنها، معلم و زوج متصدی تأدیب باشند، مالکیه و حنابله قائل به عدم ضمان هستند، زیرا تأدیب به وسیله این افراد، شرعاً تجویز شده است و مجری حکم شرع ضامن نیست. البته در هر مورد دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. (ابن قدامه، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۴۹)

در مقابل، شافعیه و برخی از فقهای حنفی قائل به ضمان هستند.

مستند آنها در این حکم روایتی است از حضرت امیرالمومنین (ع) که اگر در اجرای حد، تلف صورت پذیرد، مودب ضامن است. به نظر آنها تأدیب نیز در این حکم همانند حدود است.



علاوه بر این، تأدیب مشروط به سلامت است و در صورتی که منجر به تلف شود. معلوم می‌شود که متصدی امر تأدیب در انجام این وظیفه احتیاط لازم را ننموده است. ضمن اینکه حکم به ضمان سبب می‌شود که پدر و معلم در اجرای تأدیب، رعایت احتیاط را بنمایند و بر وفق مصلحت به انجام آن بپردازند. (بخاری، ۱۴۱۹، ج ۸: ص ۱۴)

### حکم تلف در اجرای تأدیب به وسیله معلم در حقوق ایران

در حقوق جزا بحث از تلف یا نقصان در اجرای تأدیب به نحو خاص، غیر از ضوابط و مقرراتی که به طور کلی در همین زمینه در مورد مجازات ذکر شده است، مطرح نیست.

تنها برخی از صاحب‌نظران به نحو کلی اظهار نظر نموده‌اند که اگر مسئولین امر تأدیب از حدودی که قانون برای آنها تعیین نموده است، تجاوز نمایند، فعل آنها جرم است. (انصاری، ۱۳۸۵، ص ۶۰۰)

### نتیجه‌گیری

یکی از عواملی که امروزه معلمان، مدیران و سیاست‌گذاران آموزش و پرورش به‌عنوان موضوعی مهم و اساسی بدان توجه دارند، تأدیب دانش آموز در کلاس است که از دیرباز به‌عنوان پیچیده‌ترین موضوع در بهبود کیفیت آموزش شناخته شده است.

در حقیقت، آشنایی و آگاهی نسبت به فنون تدریس و اعمال آنها در کلاس درس توسط معلم، باعث می‌شود، وی بدون استفاده از خشونت و تنبیه بدنی، کلاس را مدیریت نموده و نظم را حاکم سازد.

البته، در موردی معلم می‌تواند به اجرای تأدیب بپردازد (تقصیر در امور علم و کوتاهی و تخلف از ضوابط و مقررات مدرسه به وسیله دانش آموز ممیز) لازم است تأدیب از سه ضربه شلاق تجاوز ننماید. و اگر تأدیب با رعایت شرایط انجام نشود و تلف یا نقصان صورت پذیرد، موجب ضمان می‌گردد. به دلیل اینکه، هدف از پرورش کودکان و نوجوانان باید تغییر رفتارهای آنان در جهت اعتلای توانایی‌ها، استعدادها و ویژگی‌های مثبت و سازنده آنان باشد.

## منابع و مآخذ

۱- قرآن کریم

۲- افشار نیا، معصومه، عباسی، رضا، دسترنج، مرتضی، بررسی مدیریت کلاس درس و روش کلاس‌داری معلمان در مدارس و

مراکز آموزشی، ماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی، سال سوم، شماره ۲، ۱۳۹۷

۳- اخلاقی، اسماعیل، تأدیب کودک از نظر تربیت و فقه، مجله مکتب اسلام، شماره ۸، ۱۳۴۸

۴- انصاری، قدرت الله، انصاری، محمد جواد، بهشتی، ابراهیم، طباطبائی، علی اکبر، تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا، چاپ

دوم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۶.

۵- ابی داود، سلیمان، سنن، بیروت، دارابن خرم، ۱۴۱۸ق

۶- ابن عابدین، رد المحتار علی الدر المختار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

۷- ابن قدامه، عبدالله، المغنی و الشرح الکبیر، بیروت، دارالکتب، بی تا.

۸- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۹ق.

۹- تاج زمان، دانش، اطفال و جوانان بزهکار، تهران، موسسه خدماتی فرهنگی رسا، ۱۳۷۴

۱۰- جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۱ق.

۱۱- حرّ عاملی، محمد، وسائل الشیعه، تهران، مکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ق.

۱۲- حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر علیه السلام و اهل بیت، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲

۱۳- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، دانشگاه تهران، ۱۳۳۵

۱۴- زحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی وادلته، دمشق، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.

۱۵- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران، کتابخانه گنج و دانش، ۱۳۷۱ق.

۱۶- عوده، عبدالقادر، التشريع الجنائي، بيروت، موسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.

۱۷- قاسمی، ناصر، اقدام تأمینی، مجله کانون وکلا، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۴

۱۸- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰

۱۹- کاسانی، مسعود، البدائع والصنائع، بيروت، داراحياء التراث العربی، ۱۴۱۷ق.

۲۰- نوری، حسین، مستدرک الوسائل، بيروت، موسسه آل بيت لاحياء التراث، ۱۴۰۸ق.